



گفت‌وگو با ملک محمد مسعودی خواننده موسیقی سنتی و بختیاری

لالایی‌های بختیاری برای ایران زمین

ندا سیجانی
خبرنگار

در گستره آواها و نواهای متنوع و رنگارنگ موسیقی اقوام، گونه‌ای از موسیقی به گوش می‌رسد که قدمت آن حتی به سال‌هایش برمی‌گردد؛ آواهایی برخاسته از زاگرس نشینان و نغمه‌هایی که از دل کارون شنیده می‌شود. ایل بختیاری از عشایر کهن ایران است و بی‌تردید فرهنگ و هنر آن یکی از غنی‌ترین ذخایر فرهنگی و هنری ایران زمین است. قلمرو آن از استان‌های چهارمحال و بختیاری آغاز می‌شود و مناطقی از اصفهان، کهگیلویه و بوخروستان و جنوب لرستان را در بر می‌گیرد. مردمانی که به شجاعت، دل‌آوری و سلحشوری شهره‌اند، اما افسوس که مسئولان فرهنگ و هنر کشور مان کم‌تر به پخش و انتشار آثار موسیقی این بخش از موسیقی نواحی توجه کرده‌اند. ملک محمد مسعودی یکی از هنرمندان موسیقی سنتی و بختیاری است؛ او زاده شهر بروجن از توابع استان چهارمحال و بختیاری است و از سال‌ها پیش به تدریس موسیقی در اصفهان مشغول بوده و آلبوم‌های بسیاری در زمینه موسیقی ایرانی و بختیاری منتشر کرده که ماندگارترین‌شان «بیرمغان» با محوریت بزرگداشت حافظ و «مندیر» هستند که جزو پر فروش‌ترین آلبوم‌های موسیقی بعد از انقلاب در زمینه موسیقی بختیاری به حساب می‌آیند. مسعودی با وجود کم‌کاری در سال‌های اخیر، همچنان از چهره‌های شاخص موسیقی نواحی در ایران به شمار می‌رود. بخش سریال «بانوی سردار» و موسیقی تیتراژ این اثر انگیزه‌ای بود تا با ملک محمد مسعودی خواننده موسیقی بختیاری گفت‌وگویی داشته باشیم.

■ ابتدا در خصوص آغاز فعالیت خود در عرصه موسیقی کمی توضیح دهید.

نام کوچک من ملک محمد و نام فامیلی‌ام مسعودی است اما به ضرورت انتخاب یک نام هنری و ثبت آثارم در کتابخانه ملی و همچنین اصرار بر تشابه نداشتن با اسمی دیگر مجبور به تغییر نام خود شدم. زمانی که کارم را به صورت حرفه‌ای شروع کردم اسم «ملک» بسیار رایج بود. فامیلی مسعودی هم اختصاص داشت به یکی از خوانندگان خوب کشورمان، آقای ناصر مسعودی که در اجرای موسیقی فولک گیلان سرآمد بودند. به همین دلیل نام هنری «ملک مسعودی» را برای خود انتخاب کردم. مردم هم تصور می‌کنند از ابتدا فامیلی من ملک مسعودی بوده است. تحصیلات عالی‌ه خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی شروع کردم و بعد به رشته پزشکی روی آوردم که البته آن را تمام رها کردم. دلیلش علاقه بسیاری بود که به موسیقی بخصوص آواز داشتم. من در خانواده‌ای اهل فرهنگ و هنرم‌تولد شدم و رشد کردم. مادرم صدای زیبایی داشت و صدای خوش را از مادرم به یاد بردهام. برای خواندن آواز ایرانی مانند اپرا باید دارای صدا و موهبت آسمانی باشید و نمی‌توان تنها با توانمندی‌های خود و بدون داشتن صدای خوب تحریر بزنید. درواقع وایبره و نوانس‌های زیبایی در موسیقی آوازی یا موسیقی‌سازی ما وجود دارد که بدون آنها نمی‌توان خواننده یا نوازنده خوبی بود. اما آغاز فعالیت من به ۴۰ سال گذشته می‌رسد و آموزش موسیقی را نزد استادان بزرگ آواز ایران همچون جلال‌الدین تاج اصفهانی، علی خان ساغری و حسن کسایی به صورت غیر حضوری آموختم و به دنبال آن در محضر استاد سیروس ساغری و همچنین در تهران هم حدود دو سال در مکتب استاد اسماعیل مهرتاش و در جامعه باربد موسیقی اصیل ایرانی را تلمذ کردم. بعد از آن فعالیت‌م در هنرستان موسیقی اصفهان آغاز شد. ناگفته نماند با هنرمندان بزرگ کشور همچون استادان فرامرز پایور، هادی منتظری، ناصر فرهنگ‌فر و دیگر بزرگان موسیقی نیز آشنایی داشتم و وامدار محبت آنها هستم. اولین آلبومی که بعد از انقلاب منتشر کردم «از یاد رفته» نام داشت به هنرمندی شادروان عبدالحسین برازنده که در گوشه «افشاری» و «ایوطلا» و به تنظیم هادی منتظری منتشر شد.

■ با وجود آموزش‌های بسیار در محضر همه اقوام به موسیقی، زبان و قومیت شان می‌بالند و عشق می‌ورزند، بنابراین قوم بزرگ و جلیل بختیاری و لر از این قاعده مستثنی نبوده و نیست و بسیاری موسیقی‌شان استقبال می‌کنند و هنرمندان بسیاری هم در این زمینه زحمت کشیدند بخصوص شادروان خواننده بزرگ بختیاری مسعود علا‌الدین و آقای قتادپیان و... اما خوشحالم بگویم یک کار جدید انجام داده‌ام که در ثرای مسعود علا‌الدین است و آن شاه‌الله به دست دوستدارانش برسد. اما در زمان کم توجهی به موسیقی اقوام باید بگویم هر قوم و ملتی که سرمایه‌های معنوی نیاکان خود را از یاد ببرد این قوم محکوم به فنا است، به قول «ویل دورانت» تمدن مانند رودخانه



آبی است که در حال حرکت است و مردم در دو طرف این رودخانه زندگی می‌کنند و این تمدن‌ها با هم در تقابل و در حال تعامل هستند، بنابراین بگذاریم مردم آوازا و زبان خودشان را داشته باشند و این رنگ آمیزی زیبا در تمدن فرهنگ بشری وجود داشته باشد.

■ خانم‌ها هم در اجرای موسیقی بختیاری نقش جدی دارند؟

بله. در بعضی از آثار من بخصوص در آلبوم «شور گل» که موسیقی آن لری است با لهجه خاص کهگیلویه و بویراحمد که کرال خواند شده با صدای خانم‌ها بوده است. اما در زمینه موسیقی بختیاری باید بگویم زنان بختیاری در موسیقی جایگاه خاصی دارند و در زمان کار، شیر دوشیدن مشک و ملا، برداشت محصول، بافتن جاجیم و لباس‌های محلی و حتی لالایی‌هایی که برای فرزندان‌شان می‌خوانند و جالب‌تر از همه موسیقی سوری یا سرود یعنی موسیقی غم انگیز که اسم‌های دیگری هم دارد به نام موسیقی «پل‌کون» (پل به معنای مواست یعنی مویه کنان) یا موسیقی «خون خون گروی» یعنی غنی گریه کردن. این موسیقی به صورت کرال است و شخصی که متوفی است معمولاً نزدیک‌ترین فرد به آن خانم خواننده بوده که با توجه به شخصیت آن فرد و نوع مرگش شروع به خواندن می‌کند و بقیه خانم‌ها همسرای می‌کنند. کاری بسیار زیبا و شنیدنی است و پیش از آنکه در اروپا شاهد موسیقی‌های مذهبی به صورت کرال در کلیسا باشیم، این نوع موسیقی

موسیقی هم مانند هر پدیده‌ای در هر زمان تحولات

خودش را دارد اما متأسفانه موسیقی مقامی بیش از هر ژانر موسیقی حتی موسیقی ملی مورد آسیب بوده است آن هم نه به دلیل به‌کاربردن سازها بلکه متأسفانه گاهی دیده می‌شود یک خواننده و موسیقیدان یک قطعه یا موتیفی را از موسیقی شمال مازندران یا گیلان با گویش شعر بختیاری اجرا می‌کند که یک خلط نازیبایی است



مورد آسیب بوده است آن هم نه به دلیل به‌کاربردن سازها بلکه متأسفانه گاهی دیده می‌شود یک خواننده و موسیقیدان یک قطعه یا موتیفی را از موسیقی شمال مازندران یا گیلان با گویش شعر بختیاری اجرا می‌کند که یک خلط نازیبایی است و در واقع به‌کاربردن سازها در کنار هم با متدهای امروزی بوده اما نمی‌توان موسیقی شهری نام‌گذاری‌اش کرد بلکه باید بگویم این موسیقی‌ها شاید کمی علمی‌تر شده است و این اتفاق برمی‌گردد به سیستم‌های جدید کامپیوتری و ضبط که بسیار علمی و دقیق‌تر شده بنابراین موسیقی ما هم از این قاعده مستثنی نبوده و موسیقی مقامی و موسیقی شهری هم دارای تحولات گوناگونی شده‌اند.

■ از دیگر نکات مورد نقد و توجه در موسیقی ملی و سنتی که بسیار هم دیده می‌شود بحث تقلید و الگوبرداری است، با توجه به تجربه شما در بحث آموزش آیدر موسیقی اقوام هم این اتفاقات به چشم می‌خورد؟ منظور کمبود ملودی‌ها و اشعار کهن است.

خیر. با توجه به سوابقم در تدریس و تولید موسیقی مقامی باید بگویم نبود یا کمبود ملودی‌ها و اشعار کهن باعث تکرار تقلید نشده است چرا که سراسر کشورمان سرشار از ملودی‌های موسیقی مقامی است. مانند موسیقی کار، موسیقی عاشقانه، موسیقی‌های مراسم و اعیاد و... یا موسیقی فولک و... بنابراین کمبود منابع نیست بلکه کمبود همت داریم. اما بین یک موسیقیدان با یک آوازخوان تفاوت بسیار است. موزیسین کسی است که موسیقی خلق می‌کند و شناخت درستی از جنبه عملی و جنبه نظری موسیقی دارد. گاهی اوقات هنرجویان و دانشجوینان از من درخواست کمک دارند تا در مورد نوشتن یک موضوع یا پایان‌نامه به آنها مشاوره بدهم و می‌گویم بروید در خصوص موسیقی کار در گویش بختیاری یا به طور مثال در فرهنگ لر تحقیق کنید، این دوستان ابتدا بر این نظرند کار بسیار ساده و آسانی است در صورتی که یکی از بخش‌های مهم موسیقی مقامی کشورمان است و پژوهش و تحقیق بر این موضوع آنقدر گسترده است که شاید ۱۲-۱۰ سال تلاش بسیار طاقت فرسا می‌خواهد. کما اینکه شادروان محمد تقی مسعودی زمانی که موسیقی مذهبی ما را بررسی و تحقیق می‌کرد بیش از ۱۰ سال از عمرش روی یک موضوع موسیقی مقامی صرف شد.

■ اتفاقی که در این سال‌ها به‌طور دیده می‌شود تلفیق در موسیقی است به‌طور مثال تلفیق موسیقی سنتی با موسیقی نواحی یا موسیقی غربی نظر شما در این باره چیست؟ ساز یک وسیله است و به ضرورت آهنگساز و نواز به صدای خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد حال آن ساز برای هر قوم یا هر ملتی یا فرهنگی باشد هیچ اشکالی ندارد کمابینه که ببینم در موسیقی عرب هم از سازهای مختلف استفاده می‌شود از جمله سازنی یا بربط که یک ساز اصیل و ایرانی است اما چون سازهای فرنگی و ایرانی با هم است شما هر کجا آن را بشنوید متوجه می‌شوید این موسیقی عربی است. به قول آقای محمد جواد کسایی، اروپایی‌ها از اینکه موسیقی ایرانی یا به طور کلی موسیقی شرق آرام آرام خود را در مقابل موسیقی مغرب زمین قرار داده هراس داشتند مانند امروز که می‌بینید از پیشرفت کشورهای جهان مانند ایران چار وحشت شده‌اند و با وجود اظهار ادراگی و آزاد منشی با کمال تأسف به گونه ای صحبت می‌کنند که گویا هر چیزی که روی آن دست گذاشته‌اند هنر است و آنها باید تعریف کنند؛ ای کاش جوانان ما بدانند خودشان باید بتوانند خود را بازتعریف کنند و بدانند آنچه نیاکان ما دارند ریشه در تاریخ کهنسال ما دارد و بسیار بسیار ارزشمند است تا این خودباختگی فرهنگی از بین برود.

■ موسیقی مذهبی در ماندگاری موسیقی ما چقدر اثرگذار بوده است؟

بسیار؛ چه بسا که اغلب جوانان ما برای فراموش نشدن آوازهای ایرانی در مراسم مذهبی و پاسداشت آیین‌های ملی و مذهبی از ردیف‌های موسیقی استفاده می‌کنند، یا دورانی که رئسانس در اروپا شکل می‌گیرد. می‌بینید که بزرگ‌ترین موسیقیدان‌ها در کلیسا به وجود می‌آیند و مذهب در کلیساها باعث خلق آثار گوناگون توسط موسیقیدانان بزرگ‌شان می‌شود مانند سیاستین باخ و... که از روی کتاب مقدس‌شان انجیل، آفرینش انسان و رنج‌های مسیح را به روایت موسیقایی ترسیم می‌کنند و به فراخور زمان موسیقی آرام آرام با موضوعات دیگری هم پیش می‌رود و فرم‌ها و شکل‌های دیگری پیدا می‌کند.

■ سال‌های بسیاری است که به تدریس موسیقی مشغول هستید؛ آیا همچنان در زمینه موسیقی آوازی فعالیت می‌کنید یا به موسیقی مقامی ایران هم می‌پردازید؟

بله به همراه فرزندم. پسرم هم آواز می‌خواند و هم نوازنده تاراست و در یک آموزشگاه موسیقی در اصفهان به تدریس و تولید موسیقی مشغول هستیم، بنابراین در همه زمینه‌ها تلاش می‌کنیم تا چه قبول

■ شرایط موسیقی آوازی را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سؤال را باید مسئولان صدا و سیما پاسخ بدهند؛ آنها باید بگویند چرا تصویری از ابزار و سازهای موسیقی در تلویزیون نیست! موسیقی که در زندگی و تاریخ اجتماعی و سیاسی امروز ما بسیار بسیار تأثیرگذار است؛ مانند آن زمان که در جبهه‌های جنگ موسیقی به فرم آواز یا استفاده از ملودی‌های مذهبی و نوحه در تهییج جوانان ما در دفاع از مملکت، ناموس و کشورشان مؤثر و مورد استفاده بود. یا در جنگ جهانی دوم وقتی که آلمان‌ها به شوروی حمله کردند و در پشت درهای لنینگراد ماندند، تاریخ آن زمان می‌گوید چایکوفسکی و گروه کوچکش به صورت زنده شبانه روزاً رادیو سرودهای ملی و میهنی را که سریعاً ساخته می‌شد به صورت بداهه پخش می‌کردند تا سربازان در آن سرمای کشنده زنده بمانند و در مقابل آلمان‌ها ایستادگی کنند که سرانجام به پیروزی می‌رسند و بی‌تردید یکی از درخشان‌ترین قسمت‌های زندگی چایکوفسکی همین قسمت است و ما مانیز باید این موضوع را الگوی خود قرار بدهیم و در درجه نخست به آموزش موسیقی که بسیار مهم است اهمیت دهیم. به‌طور مثال وزیر کار سابق جناب آقای رییعی که در حال حاضر سخنگوی دولت هستند از ایشان سؤال دارم آقای رییعی شما و کارشناسان‌تان از کجا متوجه شدید که یک هنرجو با ۱۲۰ یا ۱۵۰

ساعت آموزش می‌تواند دیپلم بین‌المللی در زمینه آموزش ساز و نواختن دریافت کند؟ بنده به‌عنوان یک کارشناس کوچک این کشور که سال‌ها به تدریس موسیقی مشغول هستم براین نظرم یک هنرجو با هفت

حماسه‌ها و آوازهای سلحشوران بختیاری

موسیقی بختیاری به دو بخش سازی و آوازی تقسیم می‌شود. عمده بخش موسیقی آوازی موسیقی‌های حماسی و پهلوانی است که شاید خیلی‌ها با آن آشنا باشند. حماسه‌ها و آوازهای مربوط به پهلوانی که بیشتر آن افراد سلحشور و نامدار خصوصاً خوانین بودند. مانند بخش‌هایی از شاهنامه که به فرم حماسی خوانده می‌شود چون «رستم و سهراب»، «سردار اسد»، «ابوالقاسم خان» و... شاهنامه خوانی در موسیقی بختیاری جایگاه بسیار ویژه و گسترده‌ای دارد و در همه

حوزه‌های بختیاری دیده می‌شود و شاهنامه خوانان توانایی در ایل بختیاری هستند. بخش دیگر موسیقی آوازی بختیاری را تغزلی اختصاص دارد که عمدتاً در شب نشینی‌ها و دورهمی‌های افراد به صورت بداهه و برای تفنن خوانده می‌شود. البته خواندن این اشعار برای افراد درجه یک نیست و همه می‌خوانند. اشعاری چون «پاریار» و «فایز خوانی». یکی دیگر از آوازهای مهم بختیاری آواز چوپانی و گله چرانی است که بخش گسترده آن مربوط به زمان کار و فراغت چوپانان است که در خصوص دام و دامداری نبوده بلکه بسیاری از چوپانان در خصوص ناکامی‌ها، آرزوها و عاشقانه‌هایشان آواز می‌خوانند که بخش مهم آن آوازهای «سرکوهی» است. از دیگر آوازهای خاص ایل بختیار که ریتورال مجزا دارد، آوازهای صیادی یا شکارگری است که صیادها از قصه صیادی و شکارچی‌های دلاور روایت می‌کنند مانند «فریدون» و «نصف قلی» یا «سرکوهی». بخش دیگر آوازهای بختیاری مربوط به جشن و سرور است که معمولاً شامل ترانه‌هایی است که در عروسی‌ها و شادایانه‌های مختلف شنیده می‌شود و غالباً زن‌ها و دخترهای بختیاری اجرا می‌کنند مانند «شیرین شیرین» یا «سوزسوز». بخش دیگر آوازهای جامع عشایری یا کشاورزی در بختیاری‌ها بوده که بسیار گسترده است به‌طور مثال آوازهای «دورگری» و «سرخرمنی» یا به اصطلاح «گرزگری» که در ارتباط با کشاورزی و موضوعات مربوط به کشاورزی بوده و دارای تم غنایی، تغزلی یا غمگین می‌باشد. اما آوازهای کار که عمده آنها مربوط به زندگی عشایر بوده بیشتر در ارتباط با زن‌ها است که شامل آوازهای «مشک زنی»، «شیردوشی»، «قالیبافی» و... بوده است که البته شاید بتوانیم در تقسیم‌بندی لالایی‌ها را هم جز این دسته قرار دهیم. از دیگر موسیقی‌های بختیاری که جنبه غنایی و عاشقانه دارد ولی در قالب منظومه بوده و گسترده است می‌توان به منظومه «خسرو و شیرین» اشاره کرد یا آوازهای آیینی که مربوط به آیین‌های مختلف قومی مثل پندبازی است و همین‌طور آوازهای عزا یا موسیقی «گازیو» که مفصل و جذاب بوده و عمده رایان آن زن‌ها هستند بخش دیگر آوازهای مذهبی است که در ارتباط با ماه‌های محرم و صفر بوده و بیشتر مرثیه خوانی، نوحه خوانی و تعزیه است که از زمان ورود اسلام آرام آرام در حوزه موسیقی بختیاری پدید آمده است.

اما موسیقی‌سازی مربوط به نغماتی است که بیشتر به مراسم‌های عزا اشاره دارد که نغمه معروفی به اسم «چپی» است که با کرنا و دهل نواخته می‌شود که در جای جوغان و ترکه نشسته است و دارای مقام خاصی است و فضای بسیار مخرونی دارد که معادل آن در اقوام دیگر چون قشقایی وجود دارد اما به گسترده‌ی موسیقی بختیاری نیست. از دیگر موسیقی‌های سازی، مربوط به بازی‌ها و رقص‌ها است (مفهوم از رقص دنس نیست) و از رقص‌ها یا بازی‌های معروف آن که همراه با دهل و کرنا است به چویی، چویی سه پا، چویی شش پا، سواربازی و سرنان می‌توان اشاره کرد. البته یکسری از نغمات‌سازی وجود دارد که پیش درآمد مراسم‌های بازی است مانند «وردار» و «سروردار». از دیگر نغمات مربوط به چوپانان و گله داران است که بخش سازی آن با نی هفت بند اجرا می‌شود که به آواز گله‌داری معروف است. یکسری از مقام‌های سازی هم در ماه‌های رمضان استفاده می‌شود که با سازهای کرنا و دهل بوده است.

با توجه به اینکه موسیقی نواحی در سرتاسر کشور ما به‌خاطر عدم حمایت‌ها و توجه‌ها رو به افول بوده و تقریباً شاهد از بین رفتن بسیاری از آیین‌ها و نغمات هستیم اما به اعتقاد من خوشبختانه موسیقی بختیاری نسبت به بسیاری از اقوام دیگر کمتر آسیب دیده و این امر مدیون فرهنگ مردم این منطقه یا تمرکز جغرافیایی جمعیتی است. موسیقی بختیاری جزئی از موسیقی اقوام است پتانسیل بسیار بالایی دارد و در تقسیم‌بندی و رتبه بندی، به لحاظ دامنه، زیبایی و تنوع در ریترتورها و تعداد آوازا، مقام‌های سازی و آوازی و موسیقی آیینی جزء چند موسیقی برتر موسیقی نواحی ایران است و در حفظ و معرفی آن پژوهشگران بسیاری در این منطقه تلاش کردند. یکی از کارهای بسیار فاخر موسیقی بختیاری که در سرتا سر ایران و حتی در سطح بین‌المللی معرفی شده اثر «مال کنون» مرحوم استاد عطاءالله جنگوک بوده که بسیار ارزشمند است و با صدای مرحوم بهمن علا‌الدین و مسعود بختیاری اجرا شده و یک اثر بی‌نظیر و جاودانه است. بعد از آن آثار بسیاری در این حوزه شنیده شد که به اعتقاد من بسیاری از کارها به تکرار رفته بویژه به لحاظ تنظیم اثر موسیقی